

۲۲۱۲۲ Σ ۲

مخمصه

www.ketab.ir

حسین پناه خواهی

سرشناسه	پناه‌خواهی، حسین، ۱۳۴۷
عنوان و نام پدیدآور	مخمصه، حسین پناه‌خواهی
مشخصات نشر	تهران، شعر الف، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۱۸۵ صفحه، رقمی
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۶۸۵-۱۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	PIR۸۲۳۶
رده بندی دیویی	۸۱۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی	۷۶۶۴۵۶۳



ناشر شعر الف

مخمصه

حسین پناه‌خواهی

ناشر: شعر الف

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد: ایلیا شرافت

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: پیشگام

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۸۵-۱۲-۱

قیمت: ۵۵,۰۰۰ تومان

نشانی: تهران خیابان باهنر خیابان مقدسی خیابان قریب ۲۶ واحد ۱



sherealef.book@gmail.com



instagram.com/nashrealef

تلفن: ۲۲۷۰۲۷۷۳

همراه: ۰۹۳۵۹۰۱۸۲۱۴

www.nashrealef.com

حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مقدمه:

از قدیم الایام و شاید از بدو پیدایش تاریخ، بشر در آرزوی تسلط بر سرنوشت خویش بوده است. علم و صنعت نیز در راستای رام کردن قوای سرکش طبیعت و هموار کردن راه زندگی پدید آمد. ولی با این همه، او به آرزوی دیرینه‌اش دست نیافت. پیچیدگی‌های دنیایی که به دست خویش ساخت و در گذر زمان پیچیده‌تر شد، همچون کلاف سردرگمی، بیشتر به پرویای او پیچید و بدین گونه خیال در دل داستان پدید آمد. چرا ما از خواندن و نوشتن قصه و افسانه لذت می‌بریم با آن که می‌دانیم گاهی وقایع آن غیر واقعی و ساختگی است؟ آیا جز این که در بمویدای روح‌مان خالق سرنوشت قهرمانان داستان را موحودی هم‌نای خود می‌دانیم. لبخند رضایت بر لبان‌مان می‌نشیند و دل‌شاد از این که می‌شود و می‌توانیم. من این موضوع را در داستان «خوشبختی» نشان داده‌ام. «راچیل تو این قصه رو چند سال پیش به جور دیگه تعریف کرده بودی همین جایی که...» رویاها شیرین است، چون ما را به آسانی و با قدم‌های بلند به اهدافی که در دور دست‌ها ایستاده‌اند، نزدیک می‌کنند و اراده‌مان را هر چند برای ساعاتی کوتاه بر می‌انگیزند. ما علیه قوایی که در سر راه نیات‌مان است، به اندازه کافی تجهیز نشده‌ایم و شاید توان آن را نیز نداریم. ولی رستم داستان در هفت‌خان، سر از ده‌های هفت سر و دیو سیاه و سفید را از تن جدا می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد و شهید گوارای پیروزی بر این نیروهای اهریمنی را در کام ما می‌ریزد؛ اهریمن‌هایی که گرچه ما به آن‌ها در عالم ظاهر توجه چندانی نداریم، پنجه‌های تیزشان را از درون بر روح و جان‌مان می‌کشند و ما را از راهی که در پیش رو گرفته‌ایم، بی آن که خود بدانیم، منحرف می‌کنند. افسانه‌ها مملو از کهن نماد (Archetype) هاست که با روح انسان پیوند دیرینه‌ای دارد. نادیده گرفتن آن‌ها موجب آسیب‌های روانی است، زیرا کهن نمادها تأثیر بسزایی در حوزه ناخودآگاه (که رفتارهای ما را قویاً تحت تأثیر قرار می‌دهند) دارند و به فراموشی سپردن آن‌ها یعنی به کنار نهادن عاملی قوی که خواه ناخواه تأثیر خود را خواهد گذاشت. از طرفی، ادبیات حس همدردی را در ما ایجاد می‌کند، زیرا زمین آن به اندازه‌ی

کهری خاکی مان گسترده و ریشه‌های آن به فطرت انسانی تنیده است. شاید چاهی که به منظور سیراب کردن باغچه‌مان حفر کرده‌ایم، در اعماق زمین به سفره‌های آبی متصل شود که در دور دست‌ها چشمه آبی است که از دل سنگی می‌جوشد و کام تشنه مردمانی را سیراب می‌کند. وقتی کافکا سخت درگیر مسائل خانوادگی‌اش بود که «نامه به پدر» یک نمونه از آن است، نمی‌دانست که قرن بیستم به سبب بیان درد مشترک بشری قرن کافکایی لقب خواهد گرفت؛ ما در دنیای ادبیات میهمان یک کلمبیایی کسی مثل مارکز می‌شویم در «صد سال تنهایی» اش با او به خانه و کاشانه‌اش سرک می‌کشیم و هیچ حس غربت نداریم. بزرگی گفت: «من ادبیات را آتن پیشگوی حوادث آینده می‌دانم.» چون سر این شاخ‌ها به حساسی و روشنی دل‌های صادقی است که گنج‌های درون را روینده و بیرون ریخته است. مگر داستایوفسکی در «برادران کارامازوف» انقلاب روسیه را پیشگویی نکرد و آلیوشا خود او نبود که فقر و فساد و زهد و ریا و روشنفکری را با هم دید و بلعید و پس داد. ادبیات دنیای دودزده ما را گردگیری می‌کند و عیوب‌مان را بی‌آن که پنهانیم، پیش رویمان می‌نشانند. سامرست‌موام می‌گوید: «نویسندگان گروهی خود پسندند.» اگر از سر خود پسندی هم باشد، من خواندن این مجموعه داستان را به شما پیشنهاد می‌کنم و امیدوارم که از آن لذت ببرید.

حسین پناه‌خواهی